

عنوان مقاله:

انسجام واژگانی در متن سورریالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن

محل انتشار:

دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره 7، شماره 5 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

محمود عباسی - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

عبدالعلی اویسی کهخا - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

فاطمه ثواب - دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

خلاصه مقاله:

انسجام متن از به هم پیوستن مجموعه ای از واژه ها و جملاتی که متضمن معنا و پیام خاصی است، به وجود می آید. نویسنده، دنیای واقع و فراواقع خود را در قالب متن منعکس می کند و در این انعکاس اگرچه از زمان فاصله می گیرد، اما به مدد زبان و حفظ ارتباط بین عناصر دستوری و واژگانی، معنا را منتقل می کند و متنی منسجم می آفریند. متن سورریالیستی که بازتابی از دنیای فراواقع است، به دلیل هجوم واژگان ناشی از نگارش خودکار، چنین تصویری را در اذهان ایجاد میکند که دور از انسجام و پیوستگی است و ارتباط معنایی در این متون گسسته می نماید. این پژوهش در پاسخ به این مسیله که آیا این متون، با وجود زیر پا گذاشتن زبان معیار و آزادی زبان و واژه ها- نگارش خودکار از انسجام واژگانی برخوردار هستند، به بررسی انسجام واژگانی داستان سورریالیستی بوف کور صادق هدایت، بر پایه نظریه انسجام متن مایکل هالیدی و رقیه حسن می پردازد. پس از تحلیل و بررسی داده ها، این نتیجه حاصل شد که متن بوف کور، با 3282 گره انسجام واژگانی، از انسجام بالایی برخوردار است و نویسنده با بهره مندی از عناصر انسجام واژگانی، به ویژه عنصر تکرار و باهم آبی و ترادف، توانسته است پیوندی ناگسستنی میان الفاظ و معانی ایجاد کند و به این طریق اندیشه و امیال درونی خود را در متن منعکس سازد.

کلمات کلیدی:

متن سورریالیستی، بوف کور، نظریه هالیدی و حسن، انسجام واژگانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/803351>

